

پنجمین دوسالانه نقاشی دامون فر کلید خورد

# برترین نقاش زیر ۲۵ سال ایران ۹۳ کیست؟

| آزاده جعفریان | خبرنگار |



موج نوین نقاشی ایران مرهون حضور جوانان نقاشی است که نوجویند و سه خصیصه مشترک دارند: سر تجربه‌گر دارند، تحولات دنیای پیشرو با یک کلیک دم دستشان است و می‌خواهند متفاوت و متمایز باشند؛ اگر تا تیرماه ۸۵ خورشیدی، یافتن چنین جوانانی سخت بود و برای آنها اسکان آرایه حرفه‌ای استعدادهایشان فراهم نبود در هشتسال اخیر دوسالانه نقاشی دامون فر این سکوی ناب دیده شدن را در اختیار جوانان زیر ۲۵سال سراسر ایران قرار داده است؛ سیفاله پویار، مدیر دوسالانه دامون فر که نزدیک به چهار دهه است با برندهای جهانی فابر کاستل آلمان، کانسون و پ ب او فرسه و این اواخر کوپولو ایرانی- آلمانی همراه جامعه تجسمی است با خلق این جشنواره رقابتی بیش از هزار هنرمند را از بسیاری دور و بسیاری نزدیک ایران به تهران کشاند که حاصلش طیفی از شاخص‌ترین نقاشیان جوان این روزهای ایران است؛ چهره‌هایی که برگزیدگان دامون فر شدند خیلی زود به‌عنوان برترین نقاشان زیر ۲۵ سال کشور در میان گالری‌های حرفه‌ای جایگاه ویژه یافتند و خیلی هاشان حتی به مارکت‌های بین‌المللی دست یافتند. به‌حتم بخش بزرگی از این اعتبار به واسطه انتخاب هوشمندانه شورای داور این رویداد بخش خصوصی بوده است. در سال ۸۵ این دوسالانه به ریاست داورى آیدین آغداشلو و حضور شورای متشکل از سیدمحمداحصایی، حسین خسروچردی، فرح‌اصولی، سیدمهدی حسینی و آریا قبال انتخاب آثار و برگزیدگان انجام داد که در سال‌های بعدتر چهره‌های شاخصی مانند محمدابراهیم جعفری، رعنا نافر، پدیا پاک‌اطمینانی، فرشید منقالی، حبیب صادقی، بهنام کامرانی، رزیتا شرف‌فچان، پرهنگ صمزدادگان، مرتضی بنی‌اسدی، مصطفی اسداللهی و... این مهم را به انجام رساندند. به تازگی فراخوان پنجمین دوره دوسالانه دامون فر انتشار یافته است که باز هم از نقاشان زیر ۲۵سال ایران دعوت کرده است آثارشان را حداکثر تا یکم شهریور ۹۳ از طریق سایت جشنواره در این رویداد شرکت دهند تا پس از دو مرحله داورى، همراهم پیش‌رو به بخش دوسالانه راه یابد. مثل همیشه هم جایزه نفر نخست سفر به آلمان و حضور در آکادمی هنری فابر کاستل است. به همین بهانه با پویا راد، رئیس دوسالانه دامون فر و وحید چمانی از برگزیدگان دوره نخست، مرتضی پورحسینی برگزیده اول دوره دوم، نفیسه عمران برگزیده اول دوره سوم و زهرا طباطبایی برگزیده اول دوره چهارم گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در بی‌بی‌سی:

## پویا راد: اگر سرما به‌های بخش خصوصی پشتوانه هنر ایران شود

جرقه اصلی شکل دهی رویدادی تجسمی، روزهای نخست بهار ۱۳۸۵ در دهنم شکل گرفت. ۳۰ و ۴۰ سال بود که به واسطه آرایه محصولات فابر کاستل آلمان (Faber-castell) همسایه و همشین جامعه هنری ایران بودم و همیشه دلم می‌خواست تا کاری برای جوانان هنرمندانجام‌دهم؛ زیراستعدادهای بزرگشان را می‌دیدم و از فقر امکاناتشان باخبر بودم. آن موقع تصمیم دیگری داشتم. می‌خواستم برای عده‌ای از دانشجویان که امکان مالی نداشتند شرایط ادامه تحصیل فراهم کنیم. بعد از مشورت‌هایی که با چند نفر از دوستان داشتم آنها گفتند که این کار مشکلی است و جمع کردن بچه‌ها ایجاد یک موسسه و تأمین مالی آن پیچیده است و به من پیشنهاد برگزاری جشنواره را دادند. وقتی اواخر بهار ۸۵ تصمیم برای برگزاری جشنواره گرفتم من شدم من شب‌ها خواب نمی‌برد و فکر می‌کردم اگر کسی در جشنواره شرکت نکند چه اتفاقی افتد؟ چون خیلی شناخته‌شده نبودیم و از آن طرف دولت هم اقبالی به این کار نشان نداده بود. ولی وقتی تیرماه شد و حدود هزار و اندی هنرمند از سراسر کشور متقاضی شرکت در اولین جشنواره شدند، دلم آرام گرفت. فهمیدم با خلق یک رویداد حرفه‌ای بهترین هدیه را به جوانان سراسر زمین داده‌ایم چیزی که می‌توانم صادقانه به آن اشاره کنم این است که ما هر جای رفیقیم با دره‌های باز مواجه شدیم. فکرش را بکنید به استاد آغداشلو پیشنهاد دادیم ریاست شورای داورى اولین دوره رویدادی را، ابیدرد که ویژه ۲۵ساله‌هاست

و مجردی‌اش دامون فری است که تجربه‌ای در این زمینه نداشت. ایشان پذیرفت و بعدش اساتید ارجمند محمد احصایی، حسین خسروچردی، فرح‌اصولی و... شاید امروز که برای مثال دوباره از آقای آغداشلو دعوت به همکاری در دوره آینده را مطرح کردم می‌دانستم با لطفی که به ما جوانان دارند خواهند پذیرفت ولی آن موقع همه چیز برایم تاحدی گنگ بود و همه جا احساس می‌کردیم ممکن است مشکلاتی پیش بیاید ولی خوشبختانه دوره اول خیلی خوب بر گزار شد و خودم هم باورم نمی‌شد یک شرکت کوچک که پرسنل خیلی زیادی هم نداشت بتواند جشنواره را این قدر خوب و حرفه‌ای بر گزار کند که برای خودم هم مایه تعجب بود.

بارها گفته‌ام بخش خصوصی برای حضور در عرصه هنر نیاز به فرش قرمز نسدارد اما برای آنکه این حضور پر رنگ شود و باری از دوش دولت برداشته شود، باید تشویق‌هایی در نظر گرفته شود تا بخش خصوصی با سودگی خاطر در این امر ورود کند. من با توجه به سیاست‌گذاری‌های دولت و واگذاری هنر به اهلس، اقی‌های روشنی می‌بینم که در صورت نهادینه شدن و ضمانت‌اجرائی یافتن شاید این مهم‌نیز تحقق پیدا کند. معتقدم اگر به‌صورت اصولی، سرمایه بخش خصوصی پشت جامعه هنری بايست،



بزرگترین گروه نقاشی جشنواره دامون فر

گامی بلند در جهت جهانی شدن ایران برداشته خواهد شد.

چمانی: داورى دامون فر باید کلاسیک و آکادمیک باشد

آشنایی من با جشنواره از طریق استاد‌های دانشگاه اتفاق افتاد ولی جشنواره زرم‌مه‌هایی آغاز شده بود که نشان می‌داد جشنواره‌های دولتی به سمت جهت‌گیری‌ها و حضور داوران خاصی می‌روند و خیلی از هنرمندان هم تمایلی به شرکت در آنها نداشتند. مصادف شدن جشنواره دامون فر با این فضا برای کسانی که دوست داشتند در رویدادهای بزرگ اینچنینی باشند و در عین حال دوست هم نداشتند در آن جهت‌گیری‌ها وارد شوند امکان خیلی خوبی را فراهم کرده بود و شاید یکی از دلایلی که استقبال زیاد از این جشنواره را رقم زد و باعث تعجب هم شد همین بود. اتفاقاً تأثیر موقعیت در دامون فر بر پروسه کارى‌ام صدرصدی بود. این که توجه گالری‌ها و آنهایی که علاقه‌مند به هنر هستند نسبت به هنرمندی که برگزیده شده جلب می‌شود نوعی کسب اعتبار است که در دوره‌ای که من برنده شدم این اعتبار را از افرادی مثل آغداشلو، خسروچردی، احصایی و اصولی که داور دامون فر بودند، گرفتم. وقتی چنین افرادی هنرمندی را به‌عنوان برگزیده معرفی می‌کنند مطمئناً نگاه گالری‌ها و علاقه‌مندان هم تغییر می‌کند و رصد می‌کنند که چگونه می‌توانند با این هنرمندان همکاری

معمولاً در بی‌نیال‌ها و جشنواره‌های دیگر کارها با عبور از فیلترهای خاصی است که روی دیوار می‌روند و جایزه می‌گیرند ولی دامون فر به خاطر خصوصی بودنش این طور نیست و حسن دیگرش هم این است که در یک رده مشخص خودشان را در کنار همس‌هایشان کنند

جشنواره‌های دیگر کارها با عبور از فیلترهای خاصی است که روی دیوار می‌روند و جایزه می‌گیرند ولی دامون فر به خاطر خصوصی بودنش این طور نیست و حسن دیگرش هم این است که در یک رده مشخص سنی بر گزار می‌شود که موجب می‌شود آر تیس‌ها خودشان را در کنار همس‌هایشان کنند

جشنواره‌های دیگر کارها با عبور از فیلترهای خاصی است که روی دیوار می‌روند و جایزه می‌گیرند ولی دامون فر به خاطر خصوصی بودنش این طور نیست و حسن دیگرش هم این است که در یک رده مشخص سنی بر گزار می‌شود که موجب می‌شود آر تیس‌ها خودشان را در کنار همس‌هایشان از زیبایی کنند و با توجه به نگاه مشخصی در جشنواره هم تا حد زیادی مشخص است. دقیقاً به دلیل همین مولفه‌هاست که پس از اول شدن در دوره دوم دامون فر در سال ۸۶، چند گالری دعوت کردند تا با آنها کار کنم. به‌هر حال صدرصد حرکت خوبی بود و فکر می‌کنم همه جوان‌هایی که جایی رتبه می‌آوردند توجه‌ها

به‌سمت کارهایشان جلب می‌شود.

عمران: انتخاب‌های درست دامون فر

سالی که از وجود جشنواره دامون فر مطلع شدم هنوز فارغ‌التحصیل نشده بودم و درگیر پایان‌نامه دانشگاهی‌ام بودم. با این‌که تعدادی از کارهایم را با راهنمایی آقای کامرانی برای جشنواره دامون فر فرستادم اما همچنان مشغول پایان‌نامه بودم و تازه بعد از این که دفاعیام برگزار شد، جشنواره را جدی‌تر پیگیری کردم. در روز آگهی‌ها بود که در مصاحبه‌ای از من سوال شد چقدر صداحتمال می‌دهی نفر اول شوی و من گفتم «خیلی حتماً نفر اول می‌شوم» که این سوال و جواب هم آن‌جا پیش شد و حسلی بخانت کشیدم ولی نفر اول شدن برای من فقط در ذهن خودم وجود داشت. می‌دانید این اتفاق برای من در حال احساس‌ناشدنی بود و وارد فضای می‌شوند که گرفتن جایزه در صورتی که خودشان هم آدم‌های پیگیری باشند باعث می‌شود اقی‌های روشن‌تری را پیش رویشان ببینند و خیلی جدی‌تر مسیرشان را ادامه دهند. از همین روست که این موفقیت خیلی زیاد در کارم تأثیر داشت. من می‌توانم به جرات بگویم این یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات کاری من بوده که باعث شد مسائل پیش‌اصولی به بهترین شکل ممکن جلو برود. در ایسن موقعیت گالری‌های بیشتری سراغ هنرمندان را می‌گیرند و حتی پیگیر فعالیت‌های بعدی آنها هستند. آن‌که به جشنواره دامون فر نگاه می‌کنیم می‌بینم که واقعا انتخاب‌های درست‌تری در مورد برگزیدگان جشنواره صورت گرفته است.

طباطبایی: دهه‌فقدانی هاسبور نیستند

تابستان ۸۹ کم‌درد شدیدی پیدا کرده بودم اما با این حال روزی چند نقاشی برای یک جشنواره خارجی کار می‌کردم و اصلاً از دامون فر خبر نداشتیم. یک روز که برای بازدید از نمایشگاه یکی از دوستانم به گالری طراحان آزاد رفتم. نام او از من پرسید چه کار می‌کنم و گفتم که مشغول کار روی چند تابلو هستم. او بلافاصله پرسید بر برای دامون فر؟ و من گفتم نه. ولسی از آن‌جا که بیرون آمدم با خودم فکر کردم که مطمئناً به آن جشنواره خارجی نخواهم رسید اما فرصت دارم کارها را تکمیل کنم و برای دامون فر بفرستم. به‌هر حال با وجود کم‌درد کارها را ادامه کردم و عکسشان را برای جشنواره فرستادم که پذیرفته شدند. بعد از این که نمایشگاه افتتاح شد تازه برای معالجه پیش دکتر رفتم که گفت خیلی به خودت فشار آورده‌ای و باید برای دو هفته از تخت‌خواب بلند نشوی. موقعی هم که برای حضور در اختتامیه با من تماس گرفتند برای شوخی گفتم که دکتر به من استراحت کامل داده و اگر به من جایزه‌ای در دیدم در برای مزاح مطرح کردم. در مراسم اختتامیه هم وقتی اسمم را به‌عنوان برگزیده اعلام کردند واقعا برایم باورش سخت بود. درباره دامون فر نکته‌ای که نباید فراموش کرد به بازتاب سیستم آموزش هنر کشور در این رویداد است. سلیقه شخصی خودم من خیلی آکادمیک است و احساس می‌کنم یک دانشجو باید رنگ و طراحی را بلد باشد. سلیقه من این است که یک کار هر قدر هم مفهوم‌گرا باشد باید پایه آکادمیک درست‌تری هم داشته باشد. این سلیقه من است و این که چه چیزی درست یا غلط است را نمی‌دانم. این را هم می‌دانم که دهه‌فقدانی‌ها اصلاً زیادی برای خلق اثر ندارند و دوست دارند کارشان خیلی زود به نتیجه برسد و تمام شود. شاید در گذشته آدم‌ها در سنین مختلف تفاوت‌های زیادی باهم نداشتند ولی الان اختیاف‌های سنی در حد یکی دو سال و حتی چند ماه هم تفاوت‌های زیادی را بین آدم‌ها ایجاد کرده است. من حتی پیش‌بینی می‌کنم که در این دوره هم ما کاری را که مبنای آکادمیک درست‌تری داشته باشد حالا چه مفهوم وارث شده باشد یا نه نداریم، به این که داور نخواهد انتخاب کند. این را در حوصله‌ای نسل نمی‌بینم.

## گزارش

### شاگردان «پویا آریانپور» در نمایشگاه خاطره‌ها نه‌خدا حافظی بادیزوز، نه‌ارتباط با امروز

| سایه کاتوزیان | روزنامه‌نگار |

داشت؛ گوشه‌های از این اتاق همچون آشپزخانه کابینت‌بندی شده و ویدئو اینستالیشن روی این مشغول طرف‌شستن بود و در حالی که اندوهی خاص در چهره‌اش موج می‌زد، با وسواس عجیبی ظرف‌ها را می‌شوید و گاهی ظرفی را بر زمین پرتاب می‌کند و می‌شکند. در پس این اتاق، اتاق کوچکی قرار دارد که همچون وترین یک فروشگاه لباس عروس با پر و ساتن، زرشکی آراسته شده و در وسط اتاق یک لباس عروس که چرخ می‌خورد قرار گرفته است. تصویر رقص تعدادی کودک روی ایسن لباس عروس نقش بسته است. گویی «غزال بحرایی» با ساختن این ویدئو اینستالیشن به رویاهای دوران کودکی که در پس ذهن هر دختر بچه‌ای نقش بسته، اشاره دارد.

نقطه‌صفر مرزی

«خانه کودکی» عنوان اثر اتاق شماره ۷ است که همه ما به نوعی در دورانی از زندگی‌مان با آن روبه‌رو شده‌ایم. چیدمان آن‌ها ترحمی زاده متشکل از ۳ بقیچه لباس عکس و خرده‌ریزهای خاطره بود و یک تلویزیون قدیمی که عکس پسر بچه‌ای بر آن انعکاس داشت؛ خاطرات گمشده را می‌توان در اتاق شماره ۶ جست‌وجو کرد. چیدمانی از «کامیلا بحرانی» در این اتاق به چشم می‌خورد. هنرمند جوان در این اثر مجموعه‌ای از چند نقاشی که به نوعی یادآور فضای ذهن و خاطرات گمشده است را به نمایش گذاشته یال بلند اسب رویایی که بر جنگل سیاه کشیده می‌شود، تارباها و خاطرات جدیدی متولد شوند؛ همچنین در این اتاق یک نقاشی از دل آرا پاکدل به نمایش گذاشته شده است. در این نقاشی تصویری از یک زن امروزی دیده می‌شود که یک زن اساطیری سفیدپوش مشغول برقرقه اوست، بدرق‌های که نقطه عزیمتی است به صفر مرزی، از خانه به بی‌خانه شدن و مهاجرت، مهاجرتی که خاطرات در آن پر رنگ‌تر می‌شوند و نقطه صفر مرزی موجب می‌شود که فرد مهاجر در مکان بی‌زمانی بایستد و نه بتواند با دیروز خداحافظی کند و نه با امروز خود را تباط خاصی برقرار کند.

فندک‌وسیکار

چیدمان متشکل از ۳۰ قاب کوچک که در هر قاب تک‌های از یک خاطره قدیمی جای گرفته، اثری از مریم‌علی‌اصغری است که در اتاق دیگر این ساختمان در حال تخریب به چشم می‌خورد. در این قاب‌ها از چوب‌گیریت‌نیمه‌سوخته تا فندک‌دکمه‌های زاپاس یک لباس و پاکتی سیگار قرار دارد. چیدمانی که به نوعی مخاطب در جریان بخشی از فراز و فرود رابطه عاطفی از تزلزل تبار دیده می‌دهد. در اتاق بعدی «بلن عرصه تاریخ» است. در این عکس تصویر یک زخم بدن بخیه خورده به چشم می‌خورد. زخم‌هایی که بر تن مامان‌دندان یک خاطراتی هستند که نقش آن همیشه با بخیه‌ها بر تن ما خواهد ماند و اما اتاق شماره یک هم به نوعی بر ایند تمام نمایشگاه بود که این اتاق امیر فرح‌منزلو، ملیسا ولی پور، میترا ولایی و سدره مصباحی آثار می‌بامدیوهای هنری مختلف را به‌نمایش گذاشته بودند.



## گزارش

سهراب سپهری، زنده‌رودی، کلاتری، عربشاهی، نیازی، نامی...

### مرور ۱۰۰ سال نقاشی ایران در مژده

گسست نسل‌هاست یا کم حافظگی تاریخی ما، چنان شده که نسل امروز هنر ایران، پیشینه و دیروز خود را نمی‌شناسد و از دوران پرافتخار خویش بی‌خبر است؛ فقدان موزه‌هایی که هنر ایران در یکصدسال اخیر را به‌طور مستمر و دائمی به نمایش می‌گذارد هم مزیت به علت است تا فقر دانایی‌مان نسبت به گذشته بیشتر و بیشتر شود؛ از این روست که تلاش‌های گاه و بیگاه برخی گالری‌های بخش خصوصی در جمع‌آوری و نمایش گنجینه پرافتخار هنر ایران یک مژده و اتفاق بسیار خوشایند است که معاصر ایران «را از عصر جمعه ۱۷ مرداد ماه روی دیوار برده است که به جهت انتخاب درست و نگاه کارشناسی، لطیف متنوع و جذاب از هنرمان است که در عین آرایه یک خط‌سیر از توانلیته‌های مختلف هنرمان حکایت می‌کند. مژده طباطبایی، مدیر گالری مژده در این باره گفت: «در این نمایشگاه آثار بزرگ نقاشی ایران به‌نمایش درمی‌آید

پدید آورده‌اند و برخی دیگر نمونه‌هایی ناب از تلافی مدرنیسم و زبان تصویری ایرانی‌اند.» او اعلام کرد: «در این نمایشگاه آثار سهراب سپهری، حسین زنده‌رودی، مسعود عربشاهی، پرویز کاتوزیان، سیراک ملکوتیان، منوچهر نیازی، ناصر اویسی، غلامحسین نامی، علی‌اکبر صادقی، جلال شاهنگی، حسینعلی ذابچی، محمود زنگنه، قیاد شیوا، نصرالله مسلم‌لیمان و مجید حمیدیان هستند هم‌زمان ضمن آنکه آثار نمایشگاه گردانی خصوصی از پالت رنگی هنر نوگرا و معاصر ایران در یکصدسال اخیر، نمایشگاه «هنرندان نوگرا و معاصر ایران» را از عصر جمعه ۱۷ مرداد ماه روی دیوار برده است که به جهت انتخاب درست و نگاه کارشناسی، لطیف متنوع و جذاب از هنرمان است که در عین آرایه یک خط‌سیر از توانلیته‌های مختلف هنرمان حکایت می‌کند. مژده طباطبایی، مدیر گالری مژده در این باره گفت: «در این نمایشگاه آثار بزرگ نقاشی ایران به‌نمایش درمی‌آید